

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنمای معلمان و مربیان در

قصه نویسی

ویژه دانش آموزان پایه ششم

سازمان مدارس راه ایمان

تابستان ۱۴۰۴

سخنی با معلمان

قصه‌گویی و داستان‌نویسی راه موثری برای ارتباط بین افراد است. ما به قدرت داستان‌نویسی، برای توانمندسازی کودکان اعتقاد داریم و از طریق کلاس‌های داستان‌نویسی در مقاطع مختلف می‌خواهیم کودکان و نوجوانان را تشویق به نوشتن کنیم. از این طریق حس ارزشمندی و به طبع آن خودباوری در آنها تقویت می‌شود و کودکان می‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند خود را ابراز کنند.

هدف ما از داستان‌نویسی، ترویج تفکر نقادانه و افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در بین کودکان است. این کلاس محیط امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند خود را بیان کنند و راه‌های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن را بیاموزند، به سادگی هر امری را باور نکنند و روش‌های مناسبی برای حل مشکلاتشان بیابند. شرایط امروزی زندگی ما به گونه‌ای است که می‌توان گفت تفکر نقادانه از پیش‌نیازهای رشد، موفقیت، رقابت و بقا محسوب می‌شود. برخی از کاربردهای تفکر نقادانه که در فرایند نوشتن نیز سودمند و موثر است، عبارتند از:

- چگونه سوالات بهتری بپرسیم و پاسخ‌های بهتری مطرح کنیم؟
- چگونه مستدل‌تر و عمیق‌تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت و تفاوت بین ایده‌ها و حرف‌ها و تحلیل‌های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را تعریف و تحلیل کنیم؟ (نوشتن می‌تواند راه خوبی باشد)
- در میان انبوه رسانه‌هایی که امروزه - تقریباً بدون استثناء - منافع و بقای خود را در اولویت قرار می‌دهند، چگونه می‌توانیم اطلاعاتی مفید و ارزشمند به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته‌ها و باورها و شناخت‌مان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ نظری و پیش‌داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف‌تر فکر کنیم و حرف‌ها و نظرها و استدلال‌هایمان را به شیوه‌ای شفاف‌تر و متقاعدکننده‌تر به دیگران منتقل کنیم؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده‌تر و سازنده‌تر باشد؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و محیط اطرافشان را بهتر و شفاف‌تر ببینند و درک کنند؟

به این ترتیب می‌توان گفت نوشتن راه خوب و موثری است برای اینکه به بچه‌ها فکر کردن و مهارت حل مسئله را بیاموزیم، توانایی‌هایی که به آموزش آنها در میان درس‌های مدرسه بی‌توجهی شده است.

معلم و والدین عزیز به یاد داشته باشید کودکان می‌توانند آزادانه تخیل و خلاقیت داشته باشند، تنها از طریق این دو عنصر است که به کشف خود و دنیای اطراف می‌رسند. یکی از بهترین راه‌های تقویت خلاقیت در کودکان داستان‌نویسی است. این آزادی در تخیل باعث تقویت ارتباط آنان با هم‌نسلان و نسل‌های گذشته می‌شود و به حفظ و گسترش فرهنگ آنها کمک می‌کند.

کلاس‌های ما فقط قصه‌گویی و داستان‌نویسی نیست. ما در این کلاس می‌خواهیم در مورد تقویت تعاملات اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی، خودباوری و اعتماد به نفس و ... گفتگو کنیم و آموزش دهیم. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مانند (داستان‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی، نمایش خلاق و ...)، می‌توانند ایده‌ها و پیام‌های پیچیده‌ای را به

اشتراک بگذارند، پیامهایی که بدون این فعالیتها میسر نیست، و البته فراموش نمی کنیم که کلاسهای داستان نویسی برای کودکان و نوجوانان باید سرگرم کننده، جذاب و مفرح باشد.

معلم و والدین عزیز بیایید دست در دست هم دنیای کودکانمان را هر چه زیباتر، رنگارنگتر و غنی تر کنیم و با قدرت داستان نویسی به تقویت خصوصیات مثبت اخلاقی کودکان کمک کنیم، به این امید که آنها در آینده به فردی مفید و موثر در جامعه تبدیل شوند.

کوه داستان شش مرحله‌ای (رویداد غیر منتظره)

در ابتدای داستان و پس از شروع؛ ماجرای رخ می‌دهد که زندگی کاراکتر اصلی را تغییر می‌دهد و باعث به حرکت افتادن و پویایی داستان می‌شود. این حادثه باعث واکنشی حتی جزئی از سوی کاراکتر اصلی می‌شود. این حادثه باید قدرت به جریان انداختن داستان را داشته باشد. رویداد غیر منتظره، معمولاً تغییرات عمده‌ای در مسیر داستان ایجاد می‌کند.

این رویداد به عنوان محرکی در داستان عمل می‌کند و شخصیت‌ها را مجبور به واکنش و تصمیم‌گیری می‌کند. در بسیاری از داستان‌ها، رویدادهای غیرمنتظره مانند یک تصادف، یک ملاقات ناگهانی یا یک خبر بد می‌توانند به عنوان محرک‌های اصلی عمل کنند.

شروع یک قصه را برای بچه‌ها بنویسید و از آن‌ها بخواهید رویداد غیر منتظره‌ی آن را پیدا کنند. برای مثال:

"در یک روز آفتابی، لیلا تصمیم می‌گیرد به پارک نزدیک خانه‌اش برود. او با یک کتاب در دستش و لبخندی بر لب، به سمت پارک می‌رود. وقتی به پارک می‌رسد، همه چیز آرام و زیبا به نظر می‌رسد. اما ناگهان ..."

این رویداد می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

یک تصادف کوچک - یک ملاقات ناگهانی با یک دوست قدیمی - دریافت یک خبر عجیب و غریب - پیدا کردن یک شیء جالب - وقوع یک حادثه غیرمنتظره (مثل طوفان یا زلزله) و یا هر ماجرای عجیب و جالب دیگری.

پس از نوشتن رویداد غیرمنتظره، از دانش‌آموزان بخواهید داستان را ادامه دهند و نشان دهند که چگونه این رویداد بر شخصیت‌ها و روند داستان تأثیر می‌گذارد.

(برای ادامه‌ی داستان، لازم نیست کوه داستانی را مشخص کنند)

تمرین:

از بچه‌ها بخواهید شخصیتی به نام امیر را تصور کنند. او عاشق طبیعت‌گردی است و تصمیم گرفته یک سفر متفاوت را شروع کند. او بین مقصدهای زیر مردد است:

زندگی دو روزه در جنگل - سفر دریایی با لنج - کوهستان - بیابان بی آب و علف

هر کدام از بچه‌ها یکی از موارد بالا را برای شخصیتش انتخاب کند.

سپس بنویسد که دلیل انتخاب هر یک از موارد بالا چه بوده است؟

برای این کار نیاز به شخصیت پردازی امیر داریم. از بچه‌ها بخواهید این کار را انجام بدهند و جلسه‌ی بعد با خود به کلاس بیاورند.

کوه داستان شش مرحله‌ای (ساختن)

پس از شروع داستان و گذشتن از رویداد غیر منتظره، مسیر جدیدی پیش روی قهرمان قرار می‌گیرد. به این معنا که زندگی او تغییر می‌کند. این تغییرات ناشی از رویداد غیرمنتظره است و منجر به مرحله‌ی ساختن می‌شود. در این مرحله (پیش از رسیدن به نقطه‌ی اوج و مواجهه با درگیری بزرگ) اتفاقاتی برای قهرمان خواهد افتاد. این اتفاقات در راستای همان درگیری بزرگ است. تمام مقدماتی که برای آن لازم است در این بخش رخ خواهد داد.

اتفاقاتی که در این بخش می‌افتد می‌تواند آشنایی با افراد جدید (شخصیت‌های فرعی و یا ضدقهرمان) باشد. گاهی ضدقهرمان قصد مواجهه جدی با قهرمان را ندارد و مشکلات کوچک‌تری را به صورت غیر مستقیم پیش پای او می‌گذارد تا مواجهه‌ی بزرگ آن‌ها شکل نگیرد. (لازم نیست تمام موارد فوق در مرحله‌ی ساختن استفاده شود)

داستانی برای بچه‌ها بخوانید و آن را در همان مرحله‌ی ساختن متوقف کنید. می‌توانید از کتاب‌های کانون پرورش فکری کودک و نوجوان استفاده کنید. همچنین می‌توانید از این قصه استفاده کنید:

« داستان در یک روستای کوچک و فقیر آغاز می‌شود که در آن پسری با مادرش زندگی می‌کنند. خانه‌ی آن‌ها قدیمی و کوچک است و اطراف آن مزارع سبز و درختان بزرگ وجود دارد. روزی آن‌ها به مشکل مالی برمی‌خورند و مجبور می‌شوند گاوشان را بفروشند. (شروع) پسر گاو را به بازار می‌برد و آن را می‌فروشد. خریدار یک کیسه پول به او می‌دهد و به سرعت می‌رود. وقتی پسر به خانه می‌آید می‌بیند سرش کلاه رفته و داخل کیسه به جای پول، چند عدد لوبیاست. او با ناامیدی لوبیاها را روی زمین می‌ریزد و به خانه می‌رود. (رویداد غیر منتظره) پسر به خانه می‌رود و در ناامیدی می‌خوابد. آن شب لوبیاها رشد عجیبی می‌کنند و ساقه‌هایشان در هم تنیده شده، تبدیل به درخت بزرگی می‌شوند. درختی که از ابرها می‌گذرد و به آسمان می‌رسد. صبح روز بعد پسر از خانه بیرون می‌آید و چشمش به ساقه‌های لوبیای سحر آمیز می‌افتد. تصمیم می‌گیرد از آن بالا برود. وقتی به بالای آن می‌رسد با خانه‌ی یک غول مواجه می‌شود. (ساختن) »

از بچه‌ها بخواهید در مورد ادامه‌ی داستان حدس‌هایی بزنند. سپس به آن‌ها بگویید هرکدام برای ادامه پیشنهادی روی کاغذ بنویسند. (تاکید کنید که اگر داستان اصلی را خواندند، ادامه‌ی داستان آن‌ها با داستان اصلی تفاوت داشته باشد). در ادامه نوشته‌های بچه‌ها را بخوانید و درموردش گفت‌وگو کنید.

پس از این مرحله، قهرمان با مسئله و مشکل اصلی خودش رو به رو می‌شود و نبرد اصلی او با ضدقهرمان آغاز می‌شود. اگر داستانی را در این مرحله متوقف کنیم، می‌توانیم ادامه‌های متفاوتی برایش طراحی کنیم.

تمرین:

نوشته‌ی زیر را به صورت کاربرگ به بچه‌ها بدهید و از آن‌ها بخواهید آن را پر کنند:

البته! در اینجا یک الگوی تمرینی برای شما آماده کرده‌ایم که شامل شروع و نقطه اوج است. شما می‌توانید از این الگو استفاده کنید و از بچه‌ها بخواهید قسمت‌های خالی را پر کنند.

در یک روستای کوچک و آرام، پسری به نام [نام شخصیت] زندگی می‌کرد. او هیزم شکن بود و برای جمع آوری هیزم به جنگل می‌رفت. یک روز در جنگل برایش اتفاق عجیبی افتاد. (شروع)

[نام شخصیت] در حال جمع کردن هیزم بود که ناگهان با یک [شیء یا موجود عجیب] مواجه شد. [شیء یا موجود] به او گفت که اگر بتواند [چالش یا کار خاصی] را انجام دهد، به او نقشه‌ی یک گنج بزرگ را خواهد داد. با این گنج او دیگر مجبور نبود هرروز برای هیزم شکستن به جنگل برود. (رویداد غیر منتظره)

[فضای خالی، برای نوشتن مرحله‌ی ساختن]

بالاخره [نام شخصیت] با استفاده از نقشه‌ی گنج به [مکان یا موقعیت خاص] رسید. اما در آنجا با [شخصیت شرور یا چالشی بزرگ] مواجه شد. [نام شخصیت] با او مبارزه کرد و شکستش داد. سپس به گنج بزرگی دست پیدا کرد. او به روستا برگشت و گنج را با اهالی تقسیم کرد.

(لازم نیست جایگاه کوه داستانی قسمت‌های پس از قسمت "ساختن" را به بچه‌ها یادآور شوید. در درس‌های بعد آن را می آموزند.)